

اشاره:

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر بهروز مینایی. معرفی ایشان کار سختی است! آدم می‌ماند از کدام یک از سوابقش بگوید.

متولد ۱۳۴۱ از توابع کاشان است. از سال ۱۳۶۹ یعنی وقتی هجده ساله بود وارد مدرسه علمیه سلطانی کاشان شد و فقط چند ماه بعد از ورود به حوزه، در همان مدرسه «سلطانی» همزمان با تحصیل، جامع‌المقدمات را تدریس می‌کرد.

با تمام مشغله‌های کاری‌شان، یک ساعت از روز تعطیل‌شان را در دفتر کارشان به مصاحبه با ما اختصاص دادند. آن قدر بی‌شلیله پیله هستند که برعکس بسیاری از مدیران، تلفن همراهشان همیشه روشن است و به شماره تلفن‌های save نشده هم به راحتی جواب می‌دهند. آن قدر در مصاحبه وقت و انرژی می‌گذارد که به خودمان می‌آییم و متوجه می‌شویم یک ساعت و نیم است که گرم صحبت هستیم و نیم ساعتی‌ست که دخترشان جلوی درب ورودی مؤسسه منتظر پدرشان هستند!

ماجرای طلبه شدن یا همان شنا در دریا!

«سال ۶۰ به قم آمدم و در کلاس‌های درس اصول فقه حوزه علمیه قم شرکت کردم و عاشق فضای قم و حوزه علمیه این شهر شدم. دیدم فضای حوزه علمیه قم با کاشان خیلی فرق دارد؛ مثل یک دریا است در مقابل رودخانه.»

از همان سال ۶۰ همزمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، به جبهه‌ها هم می‌رفته و در کنار حضور در جبهه درس‌های حوزه را هم ادامه می‌داد.

سال ۶۴ که مجدداً دانشگاه‌ها بازگشایی شد، خانواده‌شان خیلی اصرار داشتند که پسرشان در کنار حوزه، در یک رشته دانشگاهی هم شرکت کند، اما «بهروز» زیر بار نمی‌رفته و بسا همان فضای حوزه علمیه قم مأنوس‌تر بود.

بالاخره دانشجوی هم شدم!

آن زمان‌ها خیلی تمایلی به شرکت در کنکور و ورود به دانشگاه نداشت و تمام وقتش صرف شرکت در کلاس‌های درس حوزه می‌شد. اما بالاخره یک بار که از جبهه برمی‌گردد، متوجه می‌شود خواهرش اسمش را در کنکور دانشگاه آزاد نوشته. ایشان هم استخاره می‌زنند و تصمیم می‌گیرند که در کنار حوزه، وارد دانشگاه هم بشوند. به این ترتیب آقای مینایی، می‌شوند دانشجوی کارشناسی رشته «کاربرد ریاضی در کامپیوتر»

هوش‌زمینایی

کارشناس امور مذهبی معرفی و اعلام کردم که دکترای فقه اسلامی دارم، نوع برخوردشان جالب بود. به عنوان شخصی که دکترای مذهبی دارد احترام زیادی به بنده می‌گذاشتند و این‌طور نبود که به خاطر نماز خواندن یا روزه گرفتن و اعمال و اعتقاداتم بی‌احترامی کنند. حتی وقتی اساتیدم متوجه تحصیلات مذهبی‌ام می‌شدند، احترام خاصی برایم قائل می‌شدند؛ مخصوصاً وقتی فهمیدند هدفم از انتخاب رشته هوش مصنوعی، تلفیق این تکنولوژی با آموزه‌های دینی‌ست...»

به همین دلیل خیلی وقت‌ها اساتید دانشگاه، بیش از همه روی خروجی کار حجت‌الاسلام مینایی توجه می‌کردند و در مباحث مربوط به ایران حتماً نظر ایشان را جویا می‌شدند.

برخورد مردم بیرون از دانشگاه هم همین‌طور بوده؛ تا این‌که حادثه یازده سپتامبر رخ می‌دهد.

حجت‌الاسلام دکتر مینایی می‌گوید: «بعد از حادثه یازده سپتامبر، نه تنها جامعه مسلمانان در معرض اتهام بودند؛ بلکه هر خارجی مقیم آمریکا همین وضع را داشت. کم‌کم نظرها در مورد مسلمانان برمی‌گشت و حتی بی‌احترامی‌هایی هم به اماکن مذهبی مسلمانان شد. اما در کل هیچ وقت از تبلیغ دین دست برنداشتم؛ حتی بعد از یازده سپتامبر...»

بازگشت به ایران

آقای مینایی می‌گفت خیلی دغدغه داشته که قبل از رسیدن سن بچه‌ها به دوره تحصیلی دبیرستان، به کشور برگردند. این حساسیت به دلیل فضای دبیرستان‌های آمریکا کاملاً قابل درک است.

به هر حال ایشان سال ۸۴ همراه با مدرک PHD شان به ایران برگشتند.

ایشان وظیفه طلبگی را در فضای جدید و تازه‌ای انجام دادند و سعی کردند از طریق تهیه برنامه‌های مختلف رایانه‌ای این کار را انجام بدهند.

حجت‌الاسلام مینایی در راه هدف‌شان از سال ۸۴ تا به حال وظایف بسیار حساسی را عهده‌دار بودند وظایفی که نمونه‌شان را در سطر پایانی این مطلب می‌خوانید: رئیس هیئت مدیره بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای ایران، عضو هیئت مؤسسين مرکز تحقیقات نور، رئیس گروه هنر مرکز مطالعات راهبردی شورای عالی انقلاب، مدیر پژوهشی معاونت فنی شورای عالی اطلاع‌رسانی، ریاست دانشکده الکترونیک و...

«به هر حال تصمیم گرفتم که برای ادامه تحصیل به آمریکا بروم. اول خودم رفتم و بعد از شش ماه زمینه را برای آمدن خانواده‌ام فراهم کردم.»

خانواده پنج نفری حجت‌الاسلام مینایی ساکن آمریکا می‌شوند. اما به هیچ عنوان کم نمی‌آورند. آقای مینایی در کنار تحصیل‌شان، لباس روحانیت را می‌پوشیدند و راه می‌افتادند و از این ایالت به آن ایالت، دین اسلام را تبلیغ می‌کردند. همسر ایشان هم که معلم بوده‌اند، یک مدرسه ایرانی اسلامی را آن‌جا راه‌اندازی می‌کنند. به این می‌گویند فعالیت خانوادگی. توصیف خودشان از آن روزها، خواندنی‌ست:

«آخوندی که ما در آمریکا انجام دادیم، توی ایران انجام نداده بودیم!»

زمانی که ایران بودیم، فقط می‌رفتیم جبهه و برمی‌گشتیم. اما در آمریکا به بهانه هر مناسبتی و با هماهنگی انجمن‌های اسلامی شیعیان می‌رفتیم میسیونر؛ می‌رفتیم اوهایو؛ واشنگتن؛ شیکاگو؛ کالیفرنیا... گاهی وقت‌ها ده روز نبودم. می‌رفتم برای تبلیغ و ده روز یا حتی دو هفته نبودم و خانواده‌ام هم تحمل می‌کردند. البته گاهی خانواده‌ام را با خودم می‌بردم. اما چون شهری که ما ساکن بودیم شهر کوچک و آرامی بود، امنیت داشت و جای هیچ نگرانی برای خانواده نبود.»

جالب این‌جاست که حجت‌الاسلام مینایی به عنوان یک دانشجو به آمریکا رفته بود و برای تبلیغ اعزام نشده بود؛ اما از وظیفه دینی‌شان کوتاه نمی‌آمده؛ طلبه است دیگر!

عکس‌العمل‌های آمریکایی!

وقتی عکس‌العمل مردم را جویا شدیم، آقای مینایی خاطرات جالبی را «رو» کرد.

می‌گوید: «من به عنوان دانشجوی اعزامی به آمریکا رفتم، اما چون از ابتدا در رزومه شخصی‌ام، خودم را

ماحصل حوزه و دانشگاه

حجت‌الاسلام مینایی از سال ۶۰ تا ۷۸ موفق به گذراندن «دروس سطح»، «درس خارج» و «کارشناسی ارشد کلام جدید و دین‌شناسی» شده‌اند و در محضر اساتید بزرگی مثل آیت‌الله سید کاظم حائری، آیت‌الله میرزا جواد تبریزی، آیت‌الله وحید خراسانی، علامه حسن‌زاده آملی، علامه انصاری شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی به کسب علم پرداخته‌اند.

همزمان طی چهارده سال موفق به کسب سه مدرک معتبر دانشگاهی می‌شوند: «کارشناسی ریاضی کاربردی کامپیوتر، کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر و PHD مهندسی کامپیوتر و هوش مصنوعی از آمریکا» به عبارت ساده‌تر، طی بیست و سه سال، شش مدرک گرفته‌اند، یکی از یکی معتبرتر!

ماجرای رفتن به آن ور آب!

دکتر مینایی، سال ۱۳۷۹ سر یک سه راهی می‌ماند! سه راهی «ماندن در سه دانشگاه برای تدریس»، «دکترای کلام جدید دانشگاه تربیت مدرس» و «بورسیه تحصیلی آمریکا»

حتی این سه راهی ممکن بود تبدیل به یک چهار راه شود که ضلع چهارم‌ش ادامه راه طلبگی و رسیدن به مقام اجتهاد بوده.

می‌گوید: «سال ۷۹ که از مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله فارغ‌التحصیل شدم، در یک سه راهی قرار گرفتم. با خودم فکر کردم که مگر تدریس در دانشگاه‌ها، تا کجا کشش دارد و یک استاد دانشگاه چقدر می‌تواند در یک دانشکده رشد کند؟! از طرفی برای ادای دینم به اسلام، خیلی دوست داشتم که مباحث دین را از طریق علم روز به دنیا عرضه کنم. این شد که مشتاق شدم برای رشته مهندسی کامپیوتر به آمریکا بروم، تا بعدها بتوانم از این تخصص برای نشر مباحث دینی استفاده کنم.

بعد از کلی استخاره، راهی آمریکا شدم و برای اخذ دکترای مهندسی کامپیوتر و هوش مصنوعی و با گرایش [داده‌کاوی] تلاشم را شروع کردم.»

آخوندی وسط ینگه دنیا!

حجت‌الاسلام مینایی از خاطرات آن سال‌ها می‌گوید. از پنج سالی که در آمریکا وسط آن همه مسیحی و یهودی و لائیک و... گذرانده:

